

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

بدین یوم ویر زنده بک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن – المان

تگ و تگمار

کار دولت گد و ود گشته و مردار شده
جنگسالار ، ستمکار و ، تبهکار شده
آش جنگ و جدلش ، مرچ و نمکدار شده
چپلی و بوتل خالی ، سرهم ، وار شده
آبرو ریخته و ، پاره اش افسار شده
وارث کرسی قدرت ، همه غدار شده
در جنایت ، یکی **تگ** ، دیگری **تگمار** شده
گژدم و غندل و زنبور و دگر ، مار شده
یکی **روبا صفت** و ، دیگری **کفتار** شده
(**فیل چوبی**) و دگر ، (**بیلر بمدار**) شده
خشتک غیرت افغانی ، ما ، غار شده
خسک و کیک و **شیش** داخل ایزار شده
ننگ تاریخ وطن ، در همه ادوار شده
شاید از جانب **امریکه** چوتار شده
گوشمالی چنین ، قسمت بیچار شده
به پتاقی ، چتل پاچه شلوار شده
وار خطا گشته و پُت ، هریکی در غار شده
حامل ریش و چین ، تسبیح و چلتار شده
چونکه بافخر ، سر **راکت و بم** سوار شده
دشمن مام وطن ، رهبر اشرار شده
(**دوستم**) راز پس و پیش ، خریدار شده
بانک این طایفه ، پُر **دالر و دینار** شده
مالک ملک و ، زمین زر بسیار شده

قدرت حاکمه در دست تفنگدار شده
زور گویان همه ، بر مسند قدرت ، جالس
دیگ شورا که به جوش آمده ، از آتش جهل
دیده باشی که ، میان وزرا و وکلا
پای قانون به هوا ، حیثیتش رفته به باد
شده **قانون شکنی** ، حافظ قانون چرا؟
(**خرم**) و (**اتمر**) و (**قانونی**) و (**مسعود**) و (**فهم**)
یکی **قانعوزک** پندیده و ، دیگر **چو شلند**
یکی چون **گرگ و شغال** و دگری **ببر و پلنگ**
(**مقبل امنیه**) و (**وردک اردو**) که یکی
ز وفاداری ، این جمع جنایتکاران
بوی گند بدن و چرک یخن ، وا عجا
(**هشتم ثور**) که روز سیه چون (**هفتم ثور**)
طرح ریزی چنین شوم ، پلانی به وطن
زانکه (**کرزی**) کمکی خواست ، نهد پا را کج
ز همه افسر و ، سرافسری با توپ و تفنگ
ملکی و عسکری و جمله **قوماندان** و ، **وزیر**
جنگسالار چتلکار تفنگدار ، چرا؟
این جنایت ، همه از فاسقی (**گلبدین**)
نوکر و چاکر ایران و ، **خر پاکستان**
لیک (**ربانی**) بدجنس و قسرمساق کثیف
حیف و افسوس که از خون شهیدان وطن
یا که از مال یتیمان و ، حق بیوه زنان

جشن بی موقع پرمصرف ، چند میلیونی باعث شادی و ، فخر همه بدکار شده
لیک ، کل بیخبر از حال غریبان که ز فقر **طفل نان آور مادر** ، به سر **دار** شده
« نعمتا » بس که مبادا بیدرد ، پرده شرم
قلم نظم ، به جولان و به پیکار شده

(4 می 2008)